



تحلیلی

حقوقی اجتماعی اساسی

بر

اصل یکصدم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

شوراها و جایگاه مدیریتی **نظارتی** آنها

در نظام دینی مبتنی بر فقاقت

همراه با راه حل زیر بنائی



ابراهیم عماد

متخصص حقوق اقتصاد بین الملل و توسعه پایدار

مشاور حقوقی اقتصادی بین المللی

در امور برنامه ریزی استراتژیک حقوقی اساسی و معاهداتی

توسعه پایدار

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶

با نگرشی بر اصل یکصدم قانون اساسی⁽¹⁾ که به موضوع شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان، و نحوه انتخاب اعضاء توسط مردم همان محل و اداره آنها، بعنوان یک نهاد حقوقی اساسی ملت بنیان نظارتی و نه اجرائی، اختصاص داده شده، خوبی میتوان دریافت که هدف قانونگذار اساسی، برای تصویب این اصل، پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی در محیط اجتماعی بوده و این شوراها دارای ماهیت کاربردی حرفه ای حقوقی اساسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده و فعالیتهای جناحی وار سیاسی جایگاهی در این نهاد نظارتی برای اداره امور و تصمیمات آن نداشته و ندارد.

با عنایت به متن این اصل هر گونه نگرش سیاسی وار و سیاسی عمل نمودن اعضای این شوراها در کادر تشکیلات جناحهای سیاسی را میتوان اقدامی خلاف این اصل قانون اساسی بحساب آورده و در صورت عدم توجه عملی اعضاء به این موضوع، مشروعیت حقوقی اساسی آنها بعنوان یک عضو زائل و ادامه فعالیت آنها در آن شوراها غیرقانونی خواهد بود.

در دوره های قبلی اعضای شوراها از محدوده اختیارات بعنوان یک نهاد نظارتی نه نهاد اجرائی، خارج و موجبات بی اعتباری شوراها را در نزد ملت بزرگوار فراهم آورده اند، و حتی در مواردی که قوانین و مقررات را رعایت و تصمیمی در راستای نیاز ملت اتخاذ شده، به علل مختلف غالباً با نگاه جناحی سیاسی مورد اعتراض قرار گرفته و برای رسیدگی به فرمانداری که سازمانی صرفاً دولتی (زیرمجموعه قوه مجریه) که با تغییر دولتها در هر چهارسال اغلب مدیران ارشد، میانی و کارشناسان آن جابجا شده و میشوند و اغلب کارشناسان آن تخصصی در امور شهرداریها نداشته و ندارند، ابطال شده و میشوند، که این عمل با روح اصل یکصدم قانون اساسی که شوراها را نهادی نظارتی بر امور روستا، بخشها، شهرها و استان ها که مستقیم توسط ملت انتخاب میشوند، شناخته در تضاد می باشد، برای رفع این نقیصه ساختاری با عنایت به انتخاب مستقیم اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا از ناحیه ملت، برای اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان بعنوان یک نهاد ملت بنیان نظارتی، ضروریست با مشورت و هماهنگی با متخصصان علم حقوق اساسی، طرحی در راستای اصل یکصدم قانون اساسی برای استقلال فعالیتهای شوراهای اسلامی شهر و روستا از قوه مجریه و انتقال جایگاه قانونی آن بعنوان یک نهاد ملت بنیان زیر مجموعه قوه مقننه که متضمن پاسخگوئی این شوراها به قوه مقننه بعنوان نمایندگان ملت بزرگوار و نهاد رهبری باشد، تهیه و به مراجع تقنینی صلاحیتدار ارائه شود.

پی نوشت :

(1) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل هفتم: شوراها اصل 100 الی 106

اصل یکصدم:

برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کند.